

غلامحسن سپهری شاملو بیشتر از بقیه فامیل نسبت به اجدادش حساسیت دارد. برای همین هم میانه خوبی با ایرج میرزا، شاعر شعر «داشت عباسقلی خان پسری...» ندارد. اگر جایی با اجداد او شوخی کردید منتظر باشد تا خودش را به شما برساند!

داشت عباسقلی خان پسری!

سال گذشته روزی داخل ماشین نشسته بودم و در مسیری می‌رفتم. رادیو را روشن کردم. دیدم در حال پخش برنامه‌ای طنز درباره عباسقلی خان است: «داشت عباسقلی خان پسری! پسر بی ادب و بی هنری» چون برنامه با واقعت

هماهنگ نبود، خیلی ناراحت شدم. از همان جا رفتم رادیو و گفتم با مدیر فلان برنامه کار دارم. گفتند: «برنامه به صورت زنده در حال پخش است و اگر می‌خواهید ایشان را ببینید، باید منتظر بمانید.» نشستم تا او آمد. احوال پرسى کردم. بعد از او پرسیدم: «شما از این برنامه‌ای که می‌سازید، چه هدفی دارید؟ چه اطلاعاتی درباره آن دارید؟» بنده خدا تعجب کرد که چرا جقدر قضیه برای شنونده‌های مهم شده است. گفت: «هتن ایسن برنامه را از روی یک کتاب می‌خوانیم.» گفتم: «من از نوادگان عباسقلی خان هستم.» بنده خدا همین‌طور شوکه شد. فکرش را هم نمی‌کرد که در حالی که برنامه‌ای درباره عباسقلی خان پخش می‌کند، نواده او بیاید رادیو. بعدا همان بنده خدا را آوردیم مدرسه و همه شاملوها را دید.

وسواس خاصی در جذب طلبه داریم

فقط فارغ التحصیلان دانشگاهی

چهارمانی مدرسه عباسقلی خان را تحویل گرفتید؟ سال ۱۳۸۷، البته این مدرسه در وضعیت مناسبی قرار نداشت. متأسفانه ساخت‌وسازهای جدید مدرسه به صورت غیرقانونی صورت گرفته و به بنا آسب‌های زیادی وارد شده بود. بعد حدود یک سال با میراث‌فرهنگی ریزی کردیم تا اینکه خود آن‌ها یک کارشناس فرستادند و روند مرمت مدرسه را آغاز کردیم.

چهارمانی دارید که این بنا را مرمت کنید؟ مدرسه عباسقلی خان یکی از قدیمی‌ترین مدرسه‌های علمیه دایر در کشور است. برای همین تلاشمان این بود که این مدرسه را به حالت اولیه‌ی زمان ساخت خودش برگردانیم. بنابراین برخی بخش‌های الحاقی را حذف کردیم و بخش‌های جدید را به سبک قدیم مدرسه ساختیم.

تا به حال جقدر برای این امر هزینه کرده‌اید؟

۷۰ درصد مدرسه که تا به حال مرمت شده، حدود یک میلیارد تومان هزینه دربر داشته است.

شنیده‌ام که در جذب طلبه هم وسواس خاصی دارید؟ در وقت‌نامه به تعداد طلبه اشاره شده است اما این قضیه تا قبل از اینکه ما مدرسه را تحویل بگیریم، رعایت نمی‌شد. وقت‌نامه فقط این اجازه را داده که طلبه فقط در سال‌های تحصیلمان در مدرسه حضور داشته باشند.

ما هم مجبور بودیم طلابی را که در سشمان تمام شده، به مدارس دیگر منتقل کنیم. بعد از این، مرمت نصف مدرسه را آغاز کردیم و از طرف دیگر با همکاری مدیریت حوزه علمیه، فقط طلبه فارغ‌التحصیل لیسانس دانشگاهی جذب کردیم.

در حال حاضر چند طلبه دارید؟

در وقت‌نامه آمده که ۹۲ طلبه در ۹۲ حجره مدرسه درس بخوانند؛ البته سه سال الان طلبه شب‌خواب کمتر داریم و با توجه به استفتائاتی که انجام داده‌ایم، تعداد بیشتری طلبه جذب کرده‌ایم که بیشترشان مشهودی هستند.

چراغی که پشت سر روشن شود

بر اساس شعر ایرج میرزا، قدیمی‌ها حکایت‌هایی درباره علی‌مردان خان نقل می‌کنند اما داستانی که مشهور است، این است که روزی عباسقلی خان به فرزندش علی‌مردان خان گفت: «مائی که من از دنیا رفتم، همه اموالم را در راه خدا وقف کنی.» علی‌مردان خان هم قبول کرد. اما چند شب بعد در طول مسیری که باهم می‌رفتند، فانوس را پشت عباسقلی خان گرفت تا نور، مقابل او را روشن کنند. عباسقلی خان اعتراض کرد. علی‌مردان گفت: «مائی که بعد از مرگ وقف شود، مثل چراغی که پشت سر روشن شود، راهی برای انسان روشن نمی‌کند.» عباسقلی خان بعد از این ماجرا اول مدرسه و بعد سایر اموالش را وقف کرد.

گفتگو بانواده بزرگ

ومتولی موقوفه عباسقلی خان

آخرین خان شاملو

مسعود نبی دوست

تماس که می‌گیرم یکی از اعضای خانواده شاملو، تلفن را جواب می‌دهد. با هم کمی درباره طایفه شاملو و جد مشهورشان عباسقلی خان صحبت می‌کنیم و در لابه‌لای گفتگو دستگیرم می‌شود که آخرین خان، یعنی مرتضی خان سپهری شاملو در قید حیات است و به عنوان متولی فعلی موقوفه فعالیت می‌کند. قرار گفتگو با مرتضی خان را برای روز بعد در مدرسه علمیه عباسقلی خان هماهنگ می‌کنم.

از در مدرسه که وارد می‌شوم، انتظار دیدن مرد درشت‌ساخت و با دبدبه و کیکبیه‌ای را دارم که به ذهنیت من از یک خان نزدیک باشد. اما در کمال تعجب، مرتضی خان سپهری شاملو پیرمرد آرام و با طمانینه‌ای است که تفریحش روی نشستن تخت جلوی مدرسه است و هیچ شباهتی به خان تصور شده من ندارد. سر بقیه شاملوها هم حسابی شلوغ است. آن‌ها دفتری در مدرسه عباسقلی خان دارند که کارهای مربوط به موقوفات را همان‌جا هماهنگ می‌کنند. از چند سال قبل که توانسته‌اند قسمتی از موقوفه را به خانواده برگردانند، حسابی سرشان شلوغ است و کل خانواده درگیر رسیدگی به وضعیت موقوفات تحت اختیار و گرفتن سایر موقوفات هستند. تاریخچه طایفه شاملوها، عباسقلی خان و علی‌مردان خان و شعر ایرج میرزا درباره آن‌ها، وضعیت فعلی موقوفات و... گفتگوی ۱۸۰ دقیقه‌ای ما با خانواده اصیلی است که گره محکمی با هویت مشهد خورده‌اند.



عکس: سعید گل

قوم شاملو از طایفه‌هایی است که شهرت زیادی در بین تاریخ‌شناسان دارد. فرزندان شاملو چه اطلاعاتی درباره گذشتگان خود دارند؟

یک‌بار از مرحوم پدرم در این باره پرسیدم. گفتم: «اصطلاح شاملو از کجا آمده است؟» پدرم می‌گفت که این‌ها اقوامی بودند که در زمان اهل بیت در شام ساکن بودند و درگیری‌هایی هم با بنی‌امیه داشتند. این طایفه بعداً در طول تاریخ به ایران مهاجرت کردند و به شاملو یعنی قوم ششامی معروف شدند. خاندان شاملو از هشت طایفه قزلباش بودند که به همراه صفویه، حکومت مرکزی را مغلوب کردند و شاه‌اسماعیل را تخت نشاندند. در تاریخ این‌طور مشهور است که شاه‌عباس صفوی بزرگ شده خاندان شاملو بوده است. چون قوم شاملو و به‌خصوص عباسقلی خان بخش زیادی از منطقه خراسان را در دست داشته‌اند و جایگاه خاصی برای آن‌ها وجود داشت؛ البته این در تاریخ نقل‌نشده ولی آن چیزی که ما می‌دانیم، از روابط فامیلی شاملوها و خاندان صفوی حکایت دارد. رهبر معظم انقلاب هم در جایی فرموده بودند که: «عباسقلی خان یکی از خان‌هایی بود که عاقبت به‌خیر شد.»

از اجداد دیگر تان جطور، اطلاعاتی از آن‌ها دارید؟

از حسن‌خان، پدر عباسقلی خان که کوچ‌بلاغ حسن‌خان به نام او مشهور است، هم شنیده‌هایی وجود دارد. دیوان خطی شعری از او داریم که نسل‌به‌نسل در خانواده منتقل شده است و امروز دست من است. علی‌مردان خان هم که پسر عباسقلی خان بوده، مرد فاضل، باسواد و عارفی بوده است. این شعری هم که درباره او گفته‌اند، هیچ صحت تاریخی ندارد. چون علی‌مردان خان در وقف‌شدن اموال تاثیر زیادی داشت.

چطور شد که موقوفه بزرگ عباسقلی خان از دست شما خارج شد؟

حدود ۷۰، ۸۰ سال پیش ابوالفتح خان، پسر عموی پدرم متصدی موقوفه بود. این فرد در اواخر عمر دچار بیماری عصبی شد و توانایی اداره موقوفات را از دست داد. برای همین بعد از او برادرش، حاج‌علی خان متولی موقوفه شد. مشخص نیست که در زمان او چه سئو، مدیریتی اتفاق افتاده که اداره اوقاف دوران طاغوت و دنبال‌بانه‌ای برای تصرف موقوفه بود، او را از متولی‌گری موقوفات محروم کرد و خودش موقوفه را در دست گرفت. بعد هم پدرم و دو تا بزرگ‌ترهای فامیل بدون توافق با یکدیگر، پیگیر پس‌گرفتن

«خان» را از انتهای اسم حذف کردم

موقوفه‌ها شدند و اداره اوقاف هم تمام تلاش خودش را کرد تا موقوفه را پس ندهد. پیگیری‌های قبل از انقلاب به نتیجه‌ای نرسید و کسی پاسخگو نبود.

بعد از پدرتان دیگر موقوفه‌ای در اختیار شما قرار نگرفت اما حتماً از حجم موقوفات باخبر بودید؟

تا حدودی اطلاعات کلی داشتم. وقت‌نامه هم دست‌به‌دست به پدرم رسیده بود. من از زمان بچگی با پدرم به کوچ‌عباسقلی خان و چهنومی‌آمدم. آن‌زمان محله چهنوی پایین خیابان زمین‌زرعی بود. پدرم به من می‌گفت این زمین‌ها مال عباسقلی خان است. حتی بعداً بازاری‌ها که من را می‌شناختند، می‌گفتند: «شما پسر عباسقلی خان هستید. پیگیری کنید تا موقوفات را پس بگیرید.»

آن زمان جقدر از موقوفه‌ها در اختیار شما بود؟

پدرم پیگیری این مسئله بود که موقوفات را پس بگیرد، ولی هیچ بخشی از موقوفه در اختیار ما نبود؛ البته نامه‌ها و پرونده‌هایی که پدرم در آن زمان جمع‌آوری کرده بود، خیلی کمک کرد که بتوانیم بخشی از موقوفات را احیا کنیم. چون آن‌نامه‌ها حکم سند را داشتند.

بعد از پدرتان هم این وقف‌نامه و اسناد به شما منتقل شد و به تعبیری شما خان بعدی بودید، درست است؟

فرزندان بزرگ خانواده شاملو به عنوان متولی موقوفه، وقف‌نامه را در اختیار دارند و ادامه اسم کوچک آن‌ها «خان» است. من شناسنامه قدیمی‌ام را دارم. اسسم مرتضی خان سپهری شاملو بود. ولسی‌ملاوقتی برای گرفتن یک چک به بانک می‌رفتم، صدا می‌زدند «مرتضی خان». این موضوع خیلی برای من خوشایند نبود. این بود که رفتم اداره ثبت‌احوال و کلمه خان را حذف کردم.

چرا لفظ «خان» برای شما خوشایند نبود؟

قدیم‌ها خان معنای خوبی داشت. وقتی می‌گفتند خان، مردم می‌فهمیدند که طرف فنودا ثروتمندی است. (می‌خندد) اما امروز دیگر خان‌ها را قبول ندارند.

بعد از شما هم کسی خان نبود. پس می‌شود گفت شما آخرین خان شاملو هستید؟

همین‌طور است. چون تا نسلی قبل از من یعنی دوره پدرم، محمدباقر خان و عمویم خان باباخان، کلمه خان جزء جدانشدنی اسسم بزرگ‌ترهای فامیل بود، اما من آخرین نفر فامیل بودم که پسوند خان داشتم.

مرحوم مستوفی (کودک سمت راست در عکس وسط) عکس‌های قدیمی خاندان را در اختیار خانواده شاملو گذاشته است. در این عکس ها اعضای این خانواده را در دوره قاجار و پهلوی می‌بینید



رسیدگی به ۷۶۵ مستاجر کار ساده‌ای نیست. در حال حاضر ۹۸ نفر از شاملوهای فامیل با خانواده‌هایشان در کبر اداره موقوفه‌ها هستند که البته فقط ۶ نفر از آن‌ها توانستند سرقرار ما حاضر شوند



هر خانواده شاملو یک پیشوند در فامیلش دارد

شما یادگاری‌هایی دارید که نسل‌به‌نسل بین فامیل منتقل می‌شود. چه چیزهایی از پدرانتان به شما رسیده است؟

غیر از وقت‌نامه، دیوان خطی اشعار حسن‌خان را داریم که ابیاتی از آن بالاسر حضرت امام (رضاع) نقش شده است. دست‌خطی هم به نستعلیق است که پدر بزرگم محمداقر خان نوشته و توصیه‌هایی به فرزندانش کرده است.

عکس‌های قدیمی اجدادتان هم به همین صورت به شما رسیده است؟

مرحوم مستوفی که عکس او را همین‌جا داریم، سال گذشته در ۹۰ سالگی فوت کرد. زمانی که مریض بود شبی رفتم عیادتش، بدون اینکه باخبر باشیم، خودش این

همراه تعداد زیادی روستا وقف شده است اما نمی‌دانستیم تعداد روستاها چند تا است. برای همین بعد از ترجمه وقت‌نامه خودمان شوکه شدیم. شما ببینید همین روستای یاقوتین که به دلیل حضور شاملوها در آن، هنوز در اختیار موقوفه مانده حدود ۲ هزار و ۵۰۰ هکتار گندم زار با ۱۰ حلقه چاه است. یا مثلا وقتی رفتم باخزر، دیدیم کل باخزر بنا به سسند، از موقوفات عباسقلی‌خان است و اهالی هم تا حدودی اطلاع دارند که این منطقه موقوفه است. یا زمین‌های وقتی بین تایباد تا باخزر حدود ۱۲۰ هزار هکتار است. حتی یک روستا به نام شاملو در بین موقوفه‌ها داریم.

پدرتان توصیه‌ای درباره وقف‌نامه نکرده بودند؟

وقتی که پدرم وقف‌نامه را به من داد، گفت: «باید این سند وقف‌نامه و اسناد را مثل پسر، عزیز بدانی.» هنوز هم اصل وقف‌نامه را در خانه در لوله فلزی مخصوص نگه می‌داریم. چهار، پنج سال پیش هم دادیم پژوهش‌آستان قدس رضوی آن را ترجمه کنند.

ترجمه وقف‌نامه اطلاعات جدیدی به شما داد یا از تمام محتوای موقوفه از قبل باخبر بودید؟

می‌دانستیم که کوچ‌بلاغ حسن‌خان، سرای گمرک، کوچ‌ه و مدرسه عباسقلی خان

شما برای گرفتن موقوفات اقدام کردید. طبیعتاً باید اثبات می‌کردید که پسر عباسقلی خان هستید. چه سندی برای این



ادعای خودتان داشتید؟

اصلی‌ترین سند ما همان وقف‌نامه بود؛ البته در نامه‌هایی هم که پدرم از قبل انقلاب داشت، اوقاف تایید کرده بود که ما از نسل عباسقلی خان هستیم. همین نامه‌ها خیلی به ما کمک کرد.

باینکه فقط ۲ درصد موقوفات در اختیار ماست

۷۶۵ مستاجر داریم

چطور توانستید شجره‌نامه فرزندان عباسقلی خان را تهیه کنید؟

افتادیم دنبال تحقیقات. گشتیم و با شاملوها ارتباط گرفتیم. از افراد درباره اجدادی که می‌شناختند، می‌پرسیدیم تا به نقطه‌های مشترک برسیم و بفهمیم که مثلاً فلان فرد حتماً از شاملوها بوده است؛ البته به کتابخانه آستان قدس رضوی هم سرزدیم که اطلاعات خوبی داشت؛ به خصوص پنج جلد کتابی که دکتر بیگدلی درباره شاملوها نوشته است. روی این شجره‌نامه خیلی زحمت کشیدیم. البته خود حاج‌آقا هم خیلی از شاملوها را می‌شناختند.

الان اقوام شاملو چند نفرند؟

الان خیلی زیاد هستند. زمانی هم که جرعه کار شروع شد، من روی پیدا کردن این‌ها حساس شده بودم؛ یعنی اگر مثلاً در خیابان می‌شنیدم که کسی را به نام شاملو صدا می‌زنند، جلب می‌شدم. خیلی از شاملوها را پیدا کردیم و مسئله احیای موقوفات را مطرح می‌کردم. بیشتر هم استقبال می‌کردند. حتی به یاقوتین تریب‌جام رفتم و در مسجد بین همه شاملوها صحبت کردیم تا با اتفاق نظر همه کار را شروع کنیم.

چند درصد موقوفه در حال حاضر در اختیار شماست؟

شاید حدود یک تا ۲ درصد. البته موقوفات مشهد مشخص است، اما قسمت‌هایی که خارج از مشهد است، تا حدودی از بین رفته است.

در این موقوفات چند مستاجر دارید؟

۲۶۵ مستاجر در مشهد حدود ۴۰۰ نفر در تربت‌جام. برای موقوفات افغانستان هم پیگیری کرده‌اید؟

نامه‌ای به اداره اوقاف نوشته‌ایم. اوقاف هم یک نامه به آن اضافه کرد و آن را به یکی از مسئولان اوقاف هرات که به ایران آمده بود، داد.

چند درصد موقوفات، آن طرف مرز است؟

منطقه «فراه»، «بادغیس» و «دارالسلطنه هرات» که شاید حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد موقوفات می‌شود؛ البته بعید به نظر می‌رسد که پیگیری‌های در این زمینه نتیجه‌بخش باشد.

۴۰ درصد موقوفات در افغانستان است

وقف‌نامه عباسقلی خان بیش از ۲۵۰ سال در بین بزرگان قوم شاملو دست‌به‌دست شده تا امروز به دست مرتضی خان رسیده است. عباسقلی خان در این وقف‌نامه اصرار دارد که موقوفات را فرزندانش بگرداند ولی چنانچه اجازه دادند، اجاره‌اش بیش از سه‌سال نباشد.

موقوفات عباسقلی خان ۷۸ رقبه شامل چند حمام، کاروان‌سرا و بازار در پایین خیابان، قنات چهنوی، زمین‌های زراعی پایین خیابان تا گل‌خطمی، کوچ‌بلاغ حسن‌خان، ولایت باخزر، ولایت بادغیس، ولایت جام، فراه و دارالسلطنه هرات است که بیش از ۴۰۰۳۰ درصد آن در کشور افغانستان قرار گرفته است. بیشتر درآمد این املاک باید صرف روشنایی، جازو و معطر کردن دیوان حرم رضوی و مخارج مدرسه عباسقلی خان شود.



برای اثبات شاملو بودن ۱۴ سال دادگاه رفتیم

پیگیری در یافت موقوفات عباسقلی خان از اداره اوقاف بر عهده شما بود. جقدر طول کشید تا بتوانید اسنادی را که در اختیار دارید، اثبات کنید؟

زمان زیادی لازم بود که حرف ما را در دادگاه بپذیرند. برای همین حدود ۱۴ سال به دادگاه رفتیم. از سال ۷۳ که من از نیشابور به مشهد منتقل شدم، از حاج‌آقا مرتضی خواستم که پیگیری برگشت موقوفه به خانواده را شروع کنیم. حاج‌آقا هم مدارک را کم‌کم به من می‌دادند. در اولین نامه به اوقاف نوشتیم که: «حق فرزندان عباسقلی خان را بدهید!» این جرعه شروع کار بود. یکی از مسئولان اوقاف، وقت‌نامه‌ای را که در یک دفتر ۳۰ برگ نوشته شده بود، به من نشان داد و گفت: «قای شاملو چیزی به عنوان حق اولاد در این موقوفه وجود ندارد.» من هم گفتم پیگیر هستیم که بتوانیم موقوفه را به شکل درست همان‌طور که در وقت‌نامه آمده است، با کمک فرزندان عباسقلی خان اداره کنیم. این بود که دادخواست نوشتم. بالاخره هم ما را به دادگاه فرخواندند تا برای اثبات حرفمان همراه شهود برویم آنجا.

شهود چه کسانی بودند؟

چند نفر از بزرگ‌ترها مثل مرحوم مستوفی را بردیم تا درباره مشاهدات بدهند. فکر می‌کردیم راهش همین است که این افراد بگویند ما